پیش‌بینی سبک هویت بر اساس رابطه فرزندپروری ادراک شده و نگرش منفی دختران نسبت به پدران

دکتر زهرا عباس‌پور آذر [۱]
دکتر ربابه عطایی‌فر [۲]
طاهره مرادیان [۳]

چکیده

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی سبک هویت براساس رابطه فرزندپروری ادراک شده و نگرش منفی دختران نسبت به پدران است. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل همهٔ دانش آموزان دختر پایه‌های تحصیلی سوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی مدارس دولتی شهر کرج در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ بود که از میان آنها نمونه ای به حجم ۲۳۰ نفر به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله ای انتخاب شد. نمونه‌ها به پرسشنامه سبک هویت برزونسکی(۱۹۹۲)، فرزندپروری ادراک شدهٔ شیفر و نگرش فرزند به والد هادسن (فرم پدر) (۱۹۹۲) پاسخ دادند. برای تحلیل داده‌ها از آزمونهای آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون سلسله‌مراتبی چندمتغیری استفاده شد. یافته‌ها نشان دادند که میان نگرش منفی دختران نسبت به پدر با سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری رابطه منفی و معنادار و با هویت سردرگم- اجتنابی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین از میان ابعاد فرزندپروری ادراک شده بعد کنترل – آزادی می‌تواند به صورت مثبت و معنادار سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری و بعد محبت –طرد می‌تواند به صورت منفی و معنادار، سبک هویت سردرگم- اجتنابی را پیش‌بینی کند. از یافته‌های پژوهش می‌توان به این نتیجه رسید که هرچه نگرش نسبت به پدر مثبت‌تر باشد دختران با احتمال بیشتری می‌توانند در یافتن هویت درست موفق باشند. همچنین کنترل والدین می‌تواند در بروز هویت مثبت نقش داشته باشد.

کلید واژگان: سبک هویت، فرزندپروری ادراک شده، نگرش فرزند به والد

تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۸/۲/۲۰

۱. استادیار گروه روانشناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران(نویسنده مسئول) abaspoorazar@yahoo.com
۲. استادیار گروه روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران robabeh.ataiefar@kiau.ac.ir
۳. کارشناسی ارشد روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران t.moradian50@gmail.com

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.1.7]

مقدمه

دوران نوجوانی به منزلهٔ یک دوره رشد از کودکی تا بزرگسالی توصیف می‌شود (سانتراک[1]، ۲۰۱۵). سازمان بهداشت جهانی، افراد میان ۱۹-۱۱ سال را که جمعیتی بالغ بر ۱/۲ میلیارد از جمعیت جهان را در بر می‌گیرند، نوجوان می‌نامد. این گروه سنی در گذر از کودکی به بزرگسالی با تغییرات چشمگیر جسمی – روانی و اجتماعی مواجه است و در پی این تغییرات، نیازهای متفاوتی احساس می‌کند (یشیگتا[2]و همکاران، ۲۰۰۸؛ به نقل از عباس‌پور آذر، ۱۳۹۳). تغییرات زیستی (بلوغ)، شناختی(کسب استدلال فرضی- استنتاجی) و اجتماعی(تحولات در روابط میان- فردی)، از ویژگیهای دوران نوجوانی است(کروچتی، سیکا، شوارتز، سرافینی و مئوس[3]، ۲۰۱۳). همین تغییرات، نوجوانی را به یکی از مهم‌ترین نقاط عطف تحولی و دورانی دشوار هم برای نوجوانان و هم برای والدین بدل می‌کند.

اریکسون، هویت را احساس همانندی، تداوم، یکتایی و استقلال فردی می‌داند که به باور وی از زمینهٔ هدفها، ارزشها و تصویر بدنی سرچشمه می‌گیرد. از نظر روانشناسان، دوران نوجوانی دورانی است که در آن بحران هویت[4] بر سازمان روانی فرد چیره می‌شود و فرد تشنه هویت را به جستجو و ارزشیابی گوناگون و گاهی متضاد هدایت می‌کند، تا در پایان این دوره بحرانی احساسی از هویت را برای او به ارمغان آورد(باقری، بهرامی و جلالی، ۱۳۸۸).

نظریه هویت برزونسکی بر یک دیدگاه شناختی در رشد هویت تأکید دارد. منظور از سبکهای هویت بروزنسکی، روشهایی اند که افراد برای فرایند تصمیم‌گیری، به ویژه تصمیمهایی که تأثیری اساسی بر هویتهای شخصی و زندگی دارند، به آنها روی می آورند. بر اساس این مدل، سه سبک متفاوت شناختی- اجتماعی پردازش هویت متمایز می‌شوند: سبک اطلاعاتی[5]، هنجاری[6] و سردرگم/اجتنابی[7](برزونسکی، چچوک، دوریبه و سوننز[8]، ۲۰۱۱). نوجوانان با سبک هویت اطلاعاتی، به طور فعال به جستجو و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود می‌پردازند و هنگامی که با بازخوردی مبنی بر نابهنجار بودن عملکردشان در محیط مواجه می‌شوند، تمایل می‌یابند جنبه‌هایی از هویت‌شان را بررسی و اصلاح کنند(برزونسکی، ۲۰۰۴). نوجوانان با سبک هویتی هنجاری،

1. Santrock
2. Yeshigeta
3. Crocetti, Sica, Schwartz, Serafini & Meeus,
4. Identity crisis
5. Informational style
6. Normative style
7. Diffuse-avoidant style
8. Berzonsky, Cieciuch, Duriez & Soenens

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.1.7]

به طور خودکار توقعات و دستورالعملهای اطرافیان مهم خود را به اجرا می‌گذارند. آنها نسبت به اطلاعاتی که ممکن است اطلاعات و ارزشهای شخصی آنها را به چالش بکشد، کاملاً بسته عمل می‌کنند. سبک هویت سردرگم/ اجتنابی، از یک ساختار هویتی از هم گسیخته و نامنسجم به‌وجود می‌آید. ویژگی اصلی این سبک، سطوح پایین پردازش فعالانه اطلاعات و مهارتهای حل مسئله محدود است. این افراد به میزان کمتری از روشهای منطقی در فرایند پردازش اطلاعات استفاده می‌کنند(برزونسکی،۲۰۰۲؛ به نقل از یاوری،۱۳۹۱).

از جمله عواملی که بر ایجاد یک هویت موفق تأثیر می‌گذارد، روابط والدین با نوجوانان است و چگونگی این روابط، نقشی بسزا در شکل‌گیری نگرشها و بازخوردهای اجتماعی، آمادگی و توسعه مهارتهای فردی و اجتماعی نوجوانان خواهد داشت (افروز، ۱۳۹۱). براساس دیدگاه صاحب‌نظران، شیوه‌های فرزندپروری[1]، یکی از سازه‌های جهانی است که بیانگر روابط عاطفی و نحوه ارتباط کلی والدین با فرزندان است که عاملی مهم برای رشد و تکوین شخصیت و شکل‌گیری هویت نوجوانان به شمار می‌رود. در این میان نوع برخورد والدین می‌تواند در کمک به نوجوانان برای رویارویی با این چالش بزرگ اثرگذار باشد(مندونسا و فونتن[2]، ۲۰۱۴).

دیانا بامریند[3](۱۹۹۱)، شیوه‌های فرزندپروری والدین را به سه سبک تقسیم کرده است، الگوی رفتاری قاطع(والدگری همراه گرمی و کنترل بالا)، مستبد(والدگری همراه کنترل بالا و گرمی پایین) و سهل گیرانه(کنترل پایین و گرمی بالا). شیفر[4](۱۹۶۵) نیز چهار الگوی فرزندپروری بر اساس دو بعد رفتار والدین یعنی آزادی و کنترل(سهل‌گیری در مقابل سخت‌گیری) و سردی و گرمی(پذیرش در مقابل طرد) را ارائه نموده است(خواجه‌پور، ۱۳۸۴).

پژوهشها نشان داده است نوجوانانی که تحت شیوه فرزندپروری قاطعانه پرورش یافته‌اند، اغلب سبک هویتی آنها اطلاعاتی و هنجاری و نوجوانانی که از سبک فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه برخوردار بوده اند، اغلب سبک هویتی سردرگم/ اجتنابی داشته اند(آدامز[5]، برزونسکی و کیتینگ[6]، ۲۰۰۶؛ باباپور خیرالدین، اسماعیلی انامق، غلام‌زاده و محمدپور، ۱۳۹۱؛ سندی، رضایی و صالحی، ۱۳۹۳).

1. Parenting styles
2. Mendonça & Fontaine
3. Baumrind
4. Schaefer
5. Adams
6. Keating

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.1.7]

مطالعات نشانگر آن است که ادراک کودک[1] از سبک فرزندپروری والدین با نگرشهای خود والدین در مورد سبک‌شان، متفاوت است. آکئیلینو و ساپل[2](۲۰۰۱) و گالامبوس[3] و همکاران (۲۰۰۳) بیان می‌دارند، نوجوانانی که والدین خود را آزادمنش، گرم و حمایتی ادراک می‌کنند، سازگاری بهتر، اعتماد به‌نفس به مراتب بالاتر، احساس رضایت بیشتر از دوستان، زندگی عاطفی و تحریک‌پذیری کمتری را در پنج سال بعدی زندگی خود تجربه خواهند کرد(خوئی‌نژاد، رجایی و محب‌راد، ۱۳۸۶). همچنین پژوهش فرزانه‌خو و همکاران(۱۳۸۸)، نشان داد که خانواده‌هایی که پذیرای فرزندان نیستند و روابط سردی در میان اعضای خانواده حاکم است، فرزندانشان به شکل معناداری سبک هویت سردرگم را نشان می‌دهند. همچنین والدین گرم و صمیمی، که قاطع و اطمینان‌بخش نیز هستند، فرزندان نوجوانشان، بیشتر هویت رشدیافته و پیشرفته دارند.

کالینز[4](۱۹۹۰)، تغییرات حاصل در انتظارات فرزند –والدین را از یکدیگر در دوران نوجوانی، منبع مهم تضاد در خانواده می‌داند. لارسن و لمپمن پترتیس[5] (۱۹۸۹)، بیان می‌کنند که در دوران نوجوانی، حدود مسئولیت نوجوان، بسیار مبهم است. احتمال دارد که نوجوان، خواهان مشارکت بیشتر در فعالیتها و تصمیم‌گیریهای خانواده باشد و انتظار داشته باشد که نحوهٔ روابط او با والدین تغییر کند. اگر والدین نسبت به این امر بی اعتنا باشند و انتظارات نوجوان را نادیده انگارند، موجبات افزایش تضاد در خانواده و نگرش منفی نسبت به والدین، در نوجوان فراهم می‌شود (حجازی و سیف،۱۳۷۹). در زمینهٔ ماهیت تعامل والد- فرزندی، پژوهشگران استدلال کرده اند که فرزندان در دوره نوجوانی به دلیل اهمیت اجتماعی شدن در نقشهای جنسیتی، به والد همجنس خود جلب می‌شوند(هس، ایتل و سیسلر[6]، ۲۰۱۴). از سویی هم پدران نقشی مثبت در ابراز وجود دختران خود دارند و یک نیروی قوی و حمایت‌کننده به شمار می‌آیند(کارتر و آلمارز[7]، ۲۰۱۴؛ دمیدنکو، مانیون و لی[8]، ۲۰۱۵) و اغلب در دوره نوجوانی دخترانشان، برای نگه داشتن رابطه با آنها تلاش می‌کنند(آپدگراف، دلگادو و ویلر[9]، ۲۰۰۹).

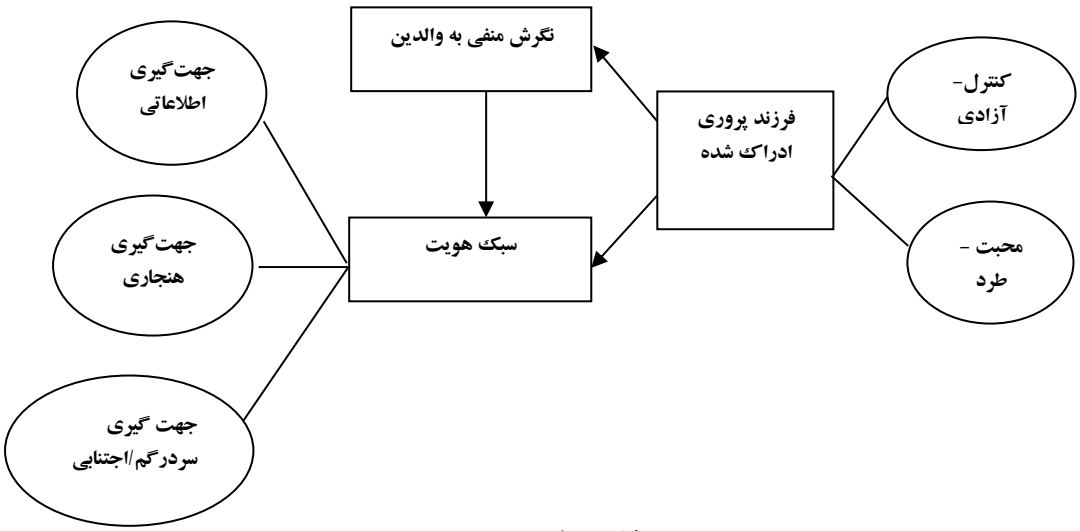
1. Children's perception
2. Aquilino & Supple
3. Galambos
4. Collins
5. Larson & Lampman-Petraitis
6. Hess, Ittel & Sisler
7. Carter & Almaraz
8. Demidenko, Manion & Lee
9. Updegraff, Delgado & Wheeler

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.1.7]

با توجه به ادبیات ذکر شده و اهمیت این موضوع که نوجوانان، سازندگان آینده هر جامعه به‌شمار می‌آیند و یکی از تکالیف مهم دوره نوجوانی، کسب هویت موفق است و در این زمینه شیوه تربیتی والدین در خانواده تأثیر بسیار دارد، هدفهای پژوهش حاضر عبارت اند از:

- پیش‌بینی ابعاد سبک هویت(اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم–اجتنابی) دختران نوجوان بر اساس نگرش منفی دختران نسبت به پدر.
- پیش‌بینی ابعاد سبک هویت(اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم–اجتنابی) دختران نوجوان بر اساس ابعاد فرزندپروری ادراک‌شده (کنترل – آزادی و محبت –طرد)

بنابر مبانی نظری مطرح شده در این پژوهش مدل مفروض ارائه شده در شکل ۱، به لحاظ نظری پشتوانه ای مناسب برای توضیح مسأله پژوهش حاضر در بعد منطقی است.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

جامعه آماری، نمونه پژوهش، روش نمونه‌گیری و روش گردآوری داده‌ها

روش پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل همهٔ دانش آموزان دختر مشغول به تحصیل در مقطع دبیرستان در پایه‌های سوم و پیش‌دانشگاهی در سال ۹۴–۱۳۹۵ در شهر کرج بود که به‌دلیل گستردگی جامعه پژوهش و عدم دسترسی به فهرست اسامی همه دانش آموزان مقطع دبیرستان برای انتخاب نمونه پژوهشی، از روش نمونه‌گیری خوشه ای مرحله ای استفاده شد. به این صورت که ابتدا به صورت

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.1.7]

تصادفی از نواحی چهارگانه آموزش وپرورش شهر کرج، ناحیه یک و سه انتخاب شد، سپس از هر ناحیه به طور تصادفی دو دبیرستان دخترانه و از هر دبیرستان نیز به صورت تصادفی چند کلاس در پایه‌های سوم و پیش‌دانشگاهی انتخاب شدند. در آخرین مرحله مطابق نظر لیندمن و همکاران (۱۹۸۰) که تأکیدکرده اند حجم گروه نمونه در تحلیل رگرسیون چندمتغیری باید دستکم۲۰ و یا ۱۰۰ برابر متغیرهای پیش‌بین باشد (به نقل از هومن، ۱۳۸۰)، ۲۰۰ نفر انتخاب شدند. به منظور اجرای پژوهش، پس از هماهنگیهای لازم با اداره آموزش وپرورش به مدارس تعیین شده مراجعه شد. بعد از هماهنگی با مدیر و معاونان هر پایه ساعتهایی که وقت مناسبی برای اجرای پرسشنامه‌ها در پایه های مورد نظر بود، تعیین شدند. سپس کلاسها به صورت تصادفی انتخاب شدند. به سبب محدودیت در پژوهش، همه دانش‌آموزان کلاسهای انتخاب شده به صورت نمونه در دسترس به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. گفتنی است که ابتدا اهداف پژوهش برای آزمودنیها توضیح داده شد و از آنان خواسته شد طبق دستورالعمل هر پرسشنامه که در بالای پرسشنامه‌ها ذکر شده بود عمل کنند. پس از گردآوری داده‌ها، به منظور توصیف داده‌های پژوهش از روش محاسبه شاخصهای آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف استاندارد و آلفای کرونباخ و برای تحلیل داده‌های پژوهش حاضر و آزمون فرضیه‌های پژوهش، از روش تحلیل رگرسیون چندمتغیری با رویکرد سلسله‌مراتبی[1] استفاده شد.

ابزار پژوهش

پرسشنامه سبک هویت برزونسکی[2]

پرسشنامه سبک هویت را برزونسکی در سال ۱۹۸۹ به منظور ارزیابی جهت‌گیری هویت افراد ساخته و در سال ۱۹۹۲ مورد تجدید نظر قرار گرفته است. این آزمون، یک ابزار خودگزارشی ۴۰ عبارتی است که از ۴ زیرمقیاس تشکیل شده است. ۳ زیرمقیاس، شامل سبکهای هویت و چهارمین زیرمقیاس مربوط به تعهد است که برای تحلیل ثانویه به‌کار می‌رود و یک سبک هویت محسوب نمی‌شود. از این رو در پژوهش حاضر ۱۰ عبارت مرتبط به آن در تجزیه و تحلیل به کار نرفته است. زیرمقیاسهای پرسشنامه شامل زیرمقیاسهای جهت‌گیری اطلاعاتی(دارای ۱۱ عبارت)، جهت‌گیری هنجاری(دارای ۹ عبارت)، جهت‌گیری سردرگم/اجتنابی(دارای ۱۰ عبارت) و زیرمقیاس تعهد(دارای ۱۰ عبارت) هستند. زیرمقیاس تعهد نشان می‌دهد که آزمودنی به چه میزان نسبت به مذهب، سیاست و رشته تخصصی خود احساس تعهد می‌کند. آزمودنی باید در یک

1. Hierarchical multiple regression
2. Identity Style Inventory (ISI)

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.1.7]

مقیاس لیکرت ۵ درجه ای (از۱، اصلاً شبیه من نیست، تا۵، کاملاً شبیه من) مشخص سازد که هر یک از عبارات ذکر شده، تا چه حد نشان دهندهٔ ویژگیهای شخصیتی وی است.

پایایی ایرانی: فرم مخصوص دانش آموزان (ISI-6G) که روی دانش‌آموزان سال ششم متوسطه هنجاریابی شده است و شباهت بسیار به پرسشنامهٔ اصلی دارد، در ایران از سوی غضنفری (۱۳۸۳) روی نمونه ای شامل ۱۸۳۲ دانش آموز دبیرستانی (۹۶۸ دختر و ۸۶۴ پسر) اجرا و هنجاریابی شده است. در جدول۱، پایایی کل آزمون و زیرمقیاسهای آن آورده شده است.

جدول ۱: پایایی کل آزمون برزونسکی و زیرمقیاسهای آن

مقیاس	دختر	پسر	کل
کل پرسشنامه	۰/۷۴	۰/۷۲	۰/۷۳
سبک هویت اطلاعاتی	۰/۶۴	۰/۷۰	۰/۶۷
سبک هویت هنجاری	۰/۵۱	۰/۵۴	۰/۵۲
سبک هویت سردرگم-اجتنابی	۰/۶۳	۰/۶۰	۰/۶۲
مقیاس تعهد	۰/۵۷	۰/۵۶	۰/۵۷

در پژوهش حاضر، مقدار آلفای کرونباخ برای جهت‌گیری اطلاعاتی برابر با ۰/۷۰۶، برای جهت‌گیری هنجاری ۰/۷۱۹ و برای جهت‌گیری سردرگم-اجتنابی، برابر ۰/۵۹۱ است.

پرسشنامه فرزندپروری ادراک شده شیفر[1]

این پرسشنامه را نقاشیان(۱۳۵۸) برای سنجش سبکهای فرزندپروری والدین، براساس کارهای شیفر (۱۹۶۵)، در قالب ۷۷ ماده تهیه کرده است که ابعاد مختلف کنترل- آزادی و محبت- طرد را در سبکهای والدگری می‌سنجد (آقاجری، ۱۳۷۴). این پرسشنامه را فرزندان و در مقیاس ۵ گویه ای از لیکرت (از ۱ همیشه تا ۵ هیچ وقت) پاسخ می‌دهند. همچنین این پرسشنامه دو بعد اصلی تربیت را می‌سنجد. سؤالات ۱ تا ۴۲ بعد کنترل را می‌سنجد. در این بعد، میانگین نمره، ۱۲۶ و حداکثر نمره ۲۱۰ که بیانگر کنترل زیاد است. سؤالات ۴۳ تا ۷۷ بعد محبت را می‌سنجد، در این بعد، میانگین نمره، ۱۰۵ و حداکثر نمره ۱۷۵، که بیانگر محبت زیاد است. با توجه به نمرات به‌دست آمده از این دو بعد، یکی از چهار شیوه فرزندپروری که شامل الف) کنترل زیاد/ محبت زیاد(شیوه والدین قاطع) ب) کنترل کم/ محبت زیاد(شیوه والدین آسانگیر) ج) کنترل زیاد / محبت کم(شیوه والدین سخت‌گیر) د) کنترل کم/ محبت کم(شیوه والدین مسامحه‌کار) به دست می‌آید. ضریب پایایی این پرسشنامه را سازنده آن، ۰/۸۷ گزارش کرده است در پژوهشی که احمدی و همکاران

1. Parental Perception Questionnaire

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.1.7]

(۱۳۹۰) انجام داده اند، ضریب پایایی این ابزار برای ابعاد کنترل- آزادی و محبت- طرد به ترتیب برابر با ۰/۷۴ و ۰/۹۵ بوده است(نقاشیان، ۱۳۵۸). در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای بعد کنترل- آزادی و محبت- طرد به ترتیب برابر با ۰/۷۵ و ۰/۸۱ به‌دست آمده است.

مقیاس نگرش فرزند به والدین هادسن[1]

این پرسشنامه، ابزار ۲۵ عبارتی است که برای اندازه‌گیری دامنه، میزان یا شدت مشکلات فرزند با پدر و مادرش به کار می‌رود و والتر دبلیو هادسن (۱۹۹۲) آن را تهیه کرده که دارای دو پرسشنامه است. این دو پرسشنامه همانند هستند، به جز اینکه در آنها کلمهٔ مادر و پدر تغییر می‌کند. این مقیاس ۲ نمرهٔ برش دارد: نمره اول ۳۰ است، نمرات زیر۳۰ نشانهٔ فقدان مشکل مهم بالینی در این مقیاس است. نمرات بالای ۳۰ به منزلهٔ وجود مشکلی است که از نظر بالینی معنادار تلقی می‌شود. نمرهٔ دوم برش ۷۰ است. نمرات بالای ۷۰، تقریباً همیشه نشان می‌دهد که مراجع استرس شدیدی دارد و احتمال بسیار برای بروز نوعی خشونت در حل مشکل وجود دارد. پاسخ به هر ماده روی مقیاس ۷ نقطه ای لیکرت(از۱- ، هیچ‌وقت، تا ۷= ، همیشه اوقات) ارائه می‌شود. ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامهٔ (ن ف پ)، ۰/۸۷ و برای پرسشنامهٔ (ن ف م)، ۰/۸۵ است که بیانگر اعتبار درونی این پرسشنامه است(هادسن،۱۹۹۲). در این پژوهش آلفای کرونباخ برای پرسشنامه (ن ف پ)، برابر ۰/۹۳ به‌دست آمده است. پژوهش سجادی و زرگر(۱۳۸۵)با هدف اعتباریابی مقیاس نگرش فرزند نسبت به پدر و مادر در نمونه ای متشکل از دانش آموزان انجام شده است. تعداد ۴۰۰ نفر از دانش آموزان (۲۰۰ دختر و ۲۰۰ پسر) به روش تصادفی چند مرحله ای از دبیرستانهای شهر شیراز انتخاب شدند و به طور همزمان به مقیاسهای نگرش فرزند نسبت به پدر، نگرش فرزند نسبت به مادر و پرسشنامهٔ شیوهٔ فرزندپروری والدینی ادراک شده (EMBU-s) پاسخ دادند. اعتبار مقیاس نگرش نسبت به پدر و مادر به روش اعتبار همزمان و پایایی آن با به‌کارگیری سه روش ضریب همبستگی، آلفای کرونباخ و تنصیف سنجیده شد. همبستگی میان مقیاس نگرش نسبت به پدر و مادر و پرسشنامهٔ شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده $r = ۰/۶۴$ در سطح $p = ۰/۰۰۱$ معنادار است. ضریب آلفا برای مقیاس نگرش نسبت به پدر ۰/۸۶ و مقیاس نگرش نسبت به مادر ۰/۸۵ به دست آمد. نتایج پژوهش بیانگر این است که مقیاس نگرش نسبت به پدر و مادر در ایران از پایایی و اعتباری مطلوب برخوردار است.

1. Child's Attitude Toward Father or Mother Scale (Hudson)

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.1.7]

یافته های پژوهش

جدول ۲ میانگین و انحراف استاندارد و ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول۲: مشخصه‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف استاندارد	آلفای کرونباخ
بعد کنترل – آزادی فرزندپروری	۱۰۷/۹۵	۱۲/۹۳	۰/۷۵۵
بعد محبت –طرد فرزندپروری	۸۶/۵۴	۱۰/۷۷	۰/۸۱۰
نگرش منفی نسبت به پدر	۶۲/۴۵	۲۹/۸۲	۰/۹۳۰
هویت – اطلاعاتی	۳۴/۸۰	۶/۵۲	۰/۷۰۶
هویت – هنجاری	۳۱/۲۰	۵/۸۲	۰/۷۱۹
هویت – سردرگم	۲۵/۲۶	۵/۴۷	۰/۵۹۱

بر اساس جدول ۲، ضریب آلفای کرونباخ مربوط به همه عاملها به استثنای سبک هویتی سردرگم، بالاتر از ۰/۷ است[۱]. در کل باید اشاره کرد که در تفسیر نتایج مربوط به سبک هویتی سردرگم لازم است با احتیاط عمل شود.

جدول ۳: ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	۱	۲	۳	۴	۵	۶
بعد کنترل – آزادی	–					
بعد محبت – طرد	-۰/۰۷۷	–				
نگرش منفی نسبت به پدر	-۰/۳۶۶**	-۰/۲۷۳**	–			
هویت – اطلاعاتی	۰/۰۹۱	-۰/۰۷۷	-۰/۲۱۳**	–		
هویت – هنجاری	۰/۰۰۳	-۰/۰۱۲	-۰/۳۱۵**	۰/۵۶۳**	–	
هویت – سردرگم	-۰/۱۹۳**	-۰/۲۶۶**	۰/۱۸۲**	۰/۰۲۹	-۰/۱۶۳**	–

**P <۰/۰۱ و *P <۰/۰۵

بر اساس جدول ۳، نگرش منفی نسبت به پدر، با سبک هویت اطلاعاتی(۰/۲۱۳-) و سبک هویت هنجاری (r=-۰/۳۱۵) به صورت منفی و در سطح معناداری ۰/۰۱ و با سبک هویت سردرگم (r=۰/۱۸۲) به صورت مثبت و در سطح معناداری ۰/۰۱ همبسته است. هر دو بعد کنترل- آزادی (r=-۰/ ۱۹۳) و محبت– طرد (r=-۰/۲۶۳) در سطح معناداری ۰/۰۱، تنها با سبک هویت سردرگم همبستگی نشان دادند.

۱. شریفی در کتاب اصول روان‌سنجی و روان‌آزمایی، ضرایب آلفای با ارزش میان ۰/۸-۰/۷ را برای مقاصد پژوهشی قابل‌قبول عنوان کرده است.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.1.7]

جدول ۴: تحلیل رگرسیون فرزندپروری ادراک شده، نگرش منفی دختران به پدران با سبک هویت اطلاعاتی

	b	SE	β	t	سطح معناداری
مرحله اول (نگرش منفی نسبت به پدر)					
نگرش منفی نسبت به پدر	-۰/۰۷۴	۰/۰۲۱	-۰/۲۸۱	-۳/۴۶۷	۰/۰۰۱
$F(۱ ،۱۹۵)=۸/۷۱۵،P<۰/۰۰۱$	$adjR^2=۰/۰۳۸$ و $R^2=۰/۰۴۳$				
مرحله دوم (فرزندپروری ادراک‌شده)					
بعد محبت –طرد فرزندپروری	-۰/۰۰۶	۰/۰۵۸	-۰/۰۰۷	-۰/۰۹۷	۰/۹۲۳
بعد کنترل – آزادی فرزندپروری	۰/۰۹۵	۰/۰۳۹	۰/۱۹۰	۲/۴۴۶	۰/۰۱۵
$F(۳ ،۱۹۳)=۵/۱۲۶،P<۰/۰۰۲$	$adjR^2=۰/۰۵۹$ و $R^2=۰/۰۷۴$			$\Delta R^2=۰/۰۳۱$	
$\Delta F=۳/۲۳۲،P<۰/۰۴۲$					

جدول ۴ نشان می‌دهد که متغیر نگرش منفی نسبت به پدر که در مرحله اول وارد معادله پیش‌بینی سبک هویت اطلاعاتی شده است، به‌صورت معناداری سبک هویت اطلاعاتی را در دختران پیش‌بینی می‌کند (F (۱۹۵،۱) =۸/۷۱۵، $p<$ ۰/۰۱). همچنین ارزش ضریب همبستگیهای چندگانه ($R2$)، برابر با ۰/۰۴۳ است، یعنی نگرش منفی نسبت به پدر تقریباً ۴ درصد از واریانس سبک هویت اطلاعاتی را تبیین کرده است. ضریب بتای نگرش منفی نسبت به پدر در پیش‌بینی سبک هویت اطلاعاتی برابر با ۰/۲۸۱- است، یعنی با افزایش یک انحراف استاندارد در نمرات نگرش منفی نسبت به پدر، ۰/۲۸۱ انحراف استاندارد از نمرات سبک هویت اطلاعاتی کاسته می‌شود. همچنین با ورود ابعاد فرزندپروری ادراک‌شده به معادله پیش‌بینی، سبک هویت اطلاعاتی سبب شده است که ۷/۴ درصد از واریانس سبک هویت اطلاعاتی تبیین شود. ارزش تغییرات $R2$ ($\Delta R2$)، برابر با ۰/۰۳۱ است، یعنی با ورود ابعاد فرزندپروری ادراک‌شده در معادله پیش‌بینی و با کنترل اثر نگرش منفی نسبت به پدر، مقدار واریانس تبیین شده سبک هویت اطلاعاتی تنها ۳ درصد افزایش یافته است که به لحاظ آماری در سطح ۰/۰۵ معنادار است ($\Delta F=۳/۲۳۲،P<۰/۰۵$). بررسی ضرایب رگرسیون نیز نشان‌دهنده آن است که به‌خلاف بعد محبت - طرد، بعد کنترل -آزادی ($\beta=۰/۱۹۰،p<$ ۰/۰۵) در سطح ۰/۰۵ و به صورت مثبت، سبک هویت اطلاعاتی را در دختران پیش‌بینی می‌کند. به‌این ترتیب نتایج نشان داد که از میان ابعاد فرزندپروری، تنها بعد کنترل – آزادی به صورت مثبت و معنادار، سبک هویت اطلاعاتی را در دختران پیش‌بینی می‌کند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.1.7]

جدول ۵: تحلیل رگرسیون فرزندپروری ادراک شده، نگرش منفی دختران به پدران با سبک هویت هنجاری

	b	SE	β	t	سطح معناداری
مرحله اول (نگرش منفی نسبت به پدر)					
نگرش منفی نسبت به پدر	-۰/۰۸۷	۰/۰۱۹	-۰/۳۶۵	-۴/۶۵۳	۰/۰۰۱
$F(1, 195)=23/178, P<0/001$	$adjR^2=0/102$ و $R^2=0/106$				
مرحله دوم (فرزندپروری ادراک شده)					
بعد محبت -طرد فرزندپروری	-۰/۰۳۱	۰/۰۵۰	-۰/۰۴۴	-۰/۶۰۷	۰/۵۴۵
بعد کنترل – آزادی فرزندپروری	۰/۰۵۸	۰/۰۳۴	۰/۱۳۱	۱/۷۳۱	۰/۰۸۵
$F(3, 193)=9/178, P<0/001$	$adjR^2=0/111$ و $R^2=0/125$			$\Delta R^2=0/019$	
$\Delta F=2/045, P>0/05$					

جدول ۵ نشان می‌دهد که متغیر نگرش منفی نسبت به پدر که در مرحله اول وارد معادله پیش‌بینی سبک هویت هنجاری شده است، به‌صورت معناداری سبک هویت هنجاری را در دختران پیش‌بینی می‌کند (F (۱۹۵،۱) =۲۳/۱۷۸، $p<$ ۰/۰۱). ارزش ضریب همبستگیهای چندگانه ($R2$)، برابر با ۰/۱۰۶ است، یعنی نگرش منفی نسبت به پدر، تقریباً ۱۱ درصد از واریانس سبک هویت هنجاری را تبیین کرده است. ضریب بتای نگرش منفی نسبت به پدر در پیش‌بینی سبک هویت هنجاری برابر با ۰/۳۶۵- است، یعنی با افزایش یک انحراف استاندارد در نمرات نگرش منفی نسبت به پدر، ۰/۳۶۵ انحراف استاندارد از نمرات سبک هویت هنجاری کاسته می‌شود. همچنین ورود ابعاد فرزندپروری ادراک شده به معادله پیش‌بینی سبک هویت، سبب شده است که ۱۲/۵ درصد از واریانس سبک هویت هنجاری تبیین شود. ارزش تغییرات R2 ($\Delta R2$)، برابر با ۰/۰۱۹ است، یعنی با ورود ابعاد فرزندپروری ادراک شده در معادله پیش‌بینی و با کنترل اثر نگرش منفی نسبت به پدر، مقدار واریانس تبیین شده سبک هویت هنجاری، تنها ۲ درصد افزایش یافته است که به لحاظ آماری در سطح ۰/۰۵ معنادار نیست($\Delta F=2/045, P>0/05$). بررسی ضرایب رگرسیون نیز نشان دهنده آن است که باوجود عدم معناداری اثر شیوه‌های فرزندپروری، ضریب رگرسیون بعد کنترل – آزادی برابر با ($\beta=0/131, p=0/085$)، در سطح ۰/۰۸۵ معنادار است که خود یافته ارزشمندی است. به این ترتیب یافته‌ها نشان دادند که از میان ابعاد فرزندپروری، تنها بعد کنترل – آزادی، در سطح ۰/۰۸۵ و به صورت مثبت، سبک هویت هنجاری دختران را پیش‌بینی می‌کند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.1.7]

جدول ۶: تحلیل رگرسیون فرزندپروری ادراک شده، نگرش منفی دختران به پدران با سبک هویت سردرگم

	b	SE	β	t	سطح معناداری
مرحله اول (نگرش منفی نسبت به پدر)					
نگرش منفی نسبت به پدر	۰/۰۵۰	۰/۰۱۷	۰/۲۲۷	۲/۹۸۱	۰/۰۰۳
$F(1, 195)=6/817, P<0/001$	$R^2=0/033$ و $adjR^2=0/028$				
مرحله دوم (فرزندپروری ادراک‌شده)					
بعد محبت- طرد فرزندپروری	-۰/۱۴۳	۰/۰۳۶	-۰/۲۸۱	-۳/۸۶۰	۰/۰۰۱
بعد کنترل – آزادی فرزندپروری	۰/۰۳۸	۰/۰۳۱	۰/۰۸۹	۱/۲۰۹	۰/۲۲۸
$F(3, 193)=9/081, P<0/001$	$R^2=0/122$ و $adjR^2=0/109$			$\Delta R^2=0/089$	
$\Delta F=9/906, P<0/001$					

جدول ۶ نشان می‌دهد که متغیر نگرش منفی نسبت به پدر که در مرحله اول وارد معادله پیش‌بینی سبک هویت سردرگم شده است، به‌صورت معناداری، سبک هویت سردرگم را در دختران پیش‌بینی می‌کند(F (۱۹۵،۱) =۶/۸۱۷، p< ۰/۰۱). ارزش ضریب همبستگیهای چندگانه (R2)، برابر با ۰/۰۳۳ است، یعنی نگرش منفی نسبت به پدر، تنها ۳/۳ درصد از واریانس سبک هویت سردرگم را تبیین کرده است. ضریب بتای نگرش منفی نسبت به پدر در پیش‌بینی سبک هویت سردرگم برابر با ۰/۲۲۷ است، یعنی با افزایش یک انحراف استاندارد در نمرات نگرش منفی نسبت به پدر، ۰/۲۲۷ انحراف استاندارد بر نمرات سبک هویت سردرگم افزوده می‌شود. ورود ابعاد فرزندپروری ادراک‌شده به معادله پیش‌بینی سبک هویت سردرگم، سبب شده است که ۱۲/۲ درصد از واریانس سبک هویت سردرگم تبیین شود. ارزش تغییرات R2 ($\Delta R2$)، برابر با ۰/۰۸۹ است، یعنی با ورود ابعاد فرزندپروری ادراک‌شده در معادله پیش‌بینی و با کنترل اثر نگرش منفی نسبت به پدر، مقدار واریانس تبیین شده سبک هویت سردرگم تقریباً ۹ درصد افزایش یافته است که به لحاظ آماری در سطح ۰/۰۱ معنادار نیست($\Delta F=9/906, P<0/01$). بررسی ضرایب رگرسیون نیز نشان داد که به‌خلاف بعد کنترل – آزادی، بعد محبت- طرد فرزندپروری ($\beta=-0/281, p<0/01$) در سطح ۰/۰۱ و به صورت منفی، سبک هویت سردرگم را در دختران پیش‌بینی می‌کند. به‌این ترتیب مشخص شد که از میان ابعاد فرزندپروری، تنها بعد محبت- طرد فرزندپروری، به‌صورت منفی و معنادار، سبک هویت سردرگم را در دختران پیش‌بینی می‌کند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.1.7]

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به منظور پیش‌بینی ابعاد سبک هویت(اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم- اجتنابی) دختران نوجوان بر اساس نگرش منفی دختران نسبت به پدر و ابعاد فرزندپروری ادراک‌شده (کنترل – آزادی و محبت –طرد) صورت گرفته است.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که میان نگرش منفی دختران نسبت به پدر با سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری رابطه منفی معنادار و با هویت سردرگم- اجتنابی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. با توجه به اینکه پژوهش قابل دسترسی که مستقیماً نقش پدر را با این متغیرها مورد بررسی قرار داده باشد وجود نداشت، اما این نتایج تقریباً با نتایج به‌دست آمده از پژوهشهای سایمون[1] و همکاران (۲۰۱۱)، ویلیامز و کلی[2] (۲۰۰۵) و فلوری و بوچانان[3] (۲۰۰۳) همخوانی دارد. همچنین پژوهشها نشان داده‌اند که هر چه میزان نگرش دختران نسبت به پدرانشان منفی‌تر باشد، عزت‌نفس آنها پایین‌تر خواهد بود(اصلان[4]، ۲۰۱۱؛ بلتنر، لیانگ، لوند و اسپنسر[5]، ۲۰۱۳؛ بودرالت[6] و همکاران، ۲۰۱۳؛ کریمی‌نژاد و غلامرضایی، ۱۳۹۲). در تبیین این نتیجه می‌توان بیان کرد که بدون شک رابطهٔ ولی – فرزندی، با توجه به شکل‌گیری آن در دوره کودکی و میزان نزدیکی و صمیمیت، قویترین و مؤثرترین رابطه میان- فردی است. مطابق با الگوی دو سویه رابطه ولی – فرزندی، رشد کودکان، محصول کنش متقابل میان ویژگیهای خودشان و افرادی است که با آنها سر و کار دارند(فیست و فیست؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۹۸). در این میان هر اندازه میزان تعامل نوجوانان با والدین‌شان بیشتر باشد با موفقیت بیشتری بازنمایی شناختی خود را شکل می‌دهند. این طرحواره‌ها و انتظارات به رفتار نوجوانان جهت می‌دهند و بر شناخت، افکار و احساسات آنها تأثیر می‌گذارند(فرمن[7]، سایمون، شیفر[8] و بوشه[9]،۲۰۰۲). در این راستا نوجوانانی که سبک هویتی اطلاعاتی دارند، اعتماد به‌نفس بالایی دارند که سبب می‌شود ابرازمندانه پاسخ دهند و بدین‌سان آماده پذیرش دیگران و دیدگاههای آنان باشند، حتی اگر دیدگاهشان با آنها متفاوت باشند. نوجوانان دارای سبک هویت اطلاعاتی، کمتر در جستجوی تأیید و تصدیق دیگران هستند و به داوریهای خود مطمئن‌اند و در مقایسه با دو سبک دیگر هویت، در برخورد با افراد و موقعیتهای نو، بردباری، انعطاف‌پذیری و

1. Simon
2. Williams & Kelly
3. Flouri & Buchanan
4. Aslan
5. Blattner, Liang , Lund & Spencer
6. Boudreault
7. Furman
8. Shaffer
9. Bouchey

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.1.7]

پذیرش بیشتری دارند. آنها، به پیوندهای دو سویه میان- فردی، با احترام به خودمختاری خود و دیگران توجه می‌کنند و ضمن ابراز وجود و احترام به خود و دیگران برای عقاید، باورها، افکار و احساسات خود و دیگران به یک اندازه اهمیت قائل اند(بروزنسکی و آدامز، ۱۹۹۹؛ به نقل از شهرآرای،۱۳۸۴). در تبیین نقش نگرش فرزندان به پدر در پیش‌بینی هویت نوجوانان می‌توان بیان داشت که به نظر می آید از آنجایی که هر نگرش افکار، احساسات و رفتارهای مختص به خود را دارد، بنابراین جهت‌گیری رفتار نوجوان بر اساس نگرشی است که فرزندان نسبت به یکی از والدین خود یا هر دو دارد(چریتی، ۲۰۰۳؛ به نقل از کلانتر هرمزی و کانی سانانی، ۱۳۹۴). نتایج پژوهشها حاکی از آن است که رابطه والدین با دختران تأثیری بسیار در سازش‌یافتگی روان‌شناختی آنها در بزرگسالی دارد، اما نقش پدران در این زمینه بارزتر است. ایشی-کونتز[1] (۱۹۹۹) بر این باور است که دختران عاطفه بیشتری نسبت به پدران خود دارند، به همین دلیل بیشتر تحت تأثیر آنها قرار می‌گیرند (سیدموسوی، مظاهری و قنبری،۱۳۹۴). شولتایس و بلوستاین[2](۱۹۹۴) نشان دادند الگوهای متفاوت تعامل والد-نوجوان پیش‌بینی کننده میزان کشف هویت برای نوجوانان دختر و پسر است.

پژوهشها نیز بر اهمیت نقش رابطه پدر با دخترانشان تأکید کرده اند، برای مثال در تحلیل صد مطالعه در مورد رابطه فرزند- والد مشخص شده است که نقش پدر همانند نقش مادر حائز اهمیت است و پدر عامل تحول اجتماعی، عاطفی، شناختی و کنش مؤثر فرزندان شناخته شده است و بیان داشته اند که عشق پدر در مقایسه با عشق مادری، قدرت پیش‌بینی بیشتری در شخصیت و سازگاری روانشناختی فرزندان دارد(شاهقلیان، ۱۳۸۷).

نتیجه دیگر پژوهش نشان داد که از میان ابعاد فرزندپروری ادراک‌شده، بعد کنترل – آزادی به صورت مثبت و معنادار قادر به پیش‌بینی سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و بعد محبت –طرد به صورت منفی و معنادار قادر به پیش‌بینی سبک هویت سردرگم- اجتنابی است. این نتایج، تقریباً با نتایج به دست آمده از پژوهشهای دانکل، هاربک و پاپینی[3](۲۰۰۹)، آدامز و همکاران (۲۰۰۶)، جاگرز[4] و همکاران (۲۰۱۴) و شیخ‌الاسلامی و برزو(۱۳۹۴) همسوست. دانکل و همکاران (۲۰۰۹)، در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که طرد با هویت سردرگم ارتباط مثبت و معنادار دارد و هویت هنجاری با پذیرش رابطه مثبت معنادار و با طرد، ارتباط منفی معنادار و همچنین هویت

1. Ishii-Kunts
2. Schultheiss & Blustein
3. Dunkel, Harbke & Papini
4. Jaggers

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.1.7]

اطلاعاتی ارتباط مثبت و معنادار با پذیرش و ارتباط منفی با طرد دارد. همچنین اسمیتس[1] و همکاران (۲۰۰۸)، در مطالعه ای به این نتایج دست یافتند که سبک هویت اطلاعاتی به شکلی مثبت از طریق سبک فرزندپروری حمایتی و سبک هویت سردرگم نیز با سبک کنترل رفتاری، پیش‌بینی می‌شود. نتایج مطالعات جاسمی و همکاران (۱۳۹۲)، نشان داد که فرزندان نوجوان والدینی که شیوهٔ فرزندپروری مقتدرانه دارند، بیشتر دارای تعهد هویتی و هویت اطلاعاتی و هنجاری هستند، در حالی که فرزندان نوجوان والدینی که شیوه فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه دارند، بیشتر از سبک هویتی سردرگم و اجتنابی برخوردارند. از سویی هم احتمال دیگر در تبیین این یافته‌ها این است که نوجوانانی که با نمره بالا در بعد کنترل به سبک اطلاعاتی دست یافته اند، در خانواده ای پرورش یافته اند که سبک تربیتی آنها، متغیر است (مثلاً پدر مقتدر، مادر مستبد)، این احتمال وجود دارد که یک سبک متغیر ترکیبی میان پدر و مادر، مؤثرتر از یک سبک خالص باشد و منجر به اثر محافظتی‌شده باشد. برای مثال، تأثیر یک والد مقتدر، می‌تواند کودک را از آثار منفی سبک والد دیگر حفظ کند(دورن‌بوش[2]، ۱۹۸۷). نتایج بیانگر این موضوع نیز است که نوجوانانی که والدین خود را قدرت‌طلب توصیف کرده بودند، شکل‌گیری هویت در آنان، بهتر از نوجوانانی بود که والدین خود را مسامحه‌کار توصیف کرده بودند. مؤلفه مشترک این دو شیوه تربیتی، پاسخ‌دهی و محبت پایین است. با وجود این، تفاوت این دو سبک فرزندپروری در بعد کنترل است که والدین قدرت‌طلب، کنترل بیشتری بر فرزندان خود اعمال می‌کنند، که این امر نشان‌دهنده آن است که کنترل والدین نیز برای بروز هویت مثبت، ضروری است.

آدامز و همکاران (۲۰۰۶)، در پژوهشی نشان دادند که میان سبک هویت هنجاری با شیوه‌های فرزندپروری قاطع و مقتدر رابطه مثبت وجود دارد. نتایج پژوهش فولادچنگ و همکاران(۱۳۸۹)، بیانگر این مطلب است که بعد محبت والدینی، پیش‌بینی کننده مثبت و معنادار سبک هویتی اطلاعاتی است. همچنین بعد مهار والدینی، پیش‌بینی کننده مثبت و معنادار سبک هویت هنجاری است. بعد محبت نیز به طور منفی و معنادار، سبک سر درگم- اجتنابی را پیش‌بینی می‌نماید. در تبیین این یافتهٔ پژوهش می‌توان بیان داشت که والدین سخت‌گیر و مستبد که فرزندان خود را شدید کنترل می‌کنند، فرصت کافی در اختیار نوجوان قرار نمی‌دهند و عقاید خود را به آنان تحمیل می‌کنند و به نوعی در صدد انتقال هنجارها و ارزشهای خود به فرزندان هستند و چندان اجازه اظهارنظر و کسب اطلاعات و ارزیابی آنها را به فرزندان خود نمی‌دهند. احتمالاً این امر موجب

1. Smits
2. Dornbusch

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.1.7]

می‌شود که نوجوانان، بیشتر از سبک پردازش هنجاری استفاده نمایند(سامانی؛ به نقل از فولادچنگ،۱۳۸۹).

شایان ذکر است که دختران برای شکل‌گیری شخصیت‌شان و از همه مهم‌تر برای کسب هویت، نیاز به رابطه‌ای محبت‌آمیز با پدر دارند. پژوهشهای بسیار بر اهمیت نقش پدر در سلامت روانی فرزندان به موازات نقش مادر تأکید کرده اند. گروهی از پژوهشگران نشان داده اند که حتی ابراز هیجان مثبت از سوی پدر، کاهش مشکلات عاطفی و رفتاری در فرزندان را در پی دارد و زمانی که پدر هیجان منفی ابراز می‌کند، مشکلات عاطفی و رفتاری فرزندان افزایش می‌یابد. از طرفی هم نگرش مثبت به پدر، سبب می‌شود فرزند او را همیشه در دسترس بداند و به این دیدگاه برسد که در هنگام گرفتاری از حمایت و توجه پدر و سایر افراد خانواده برخوردار است. به ویژه با توجه به این دیدگاه که پدر یک نقش هماهنگ‌کننده و مقتدر در خانه دارد، داشتن حمایت پدر سبب می‌شود که فرزند احساس کند از حمایت سایر افراد خانواده نیز برخوردار است(رایس؛ ترجمه فروغان، ۱۳۸۸). با توجه به ادبیات ذکر شده، می‌توان بیان داشت وجود نگرش منفی نسبت به یکی از والدین، به ویژه پدر که به عنوان حامی و مدیر خانواده است، سبب می‌شود که فرزند احساس کند که از حمایت کافی برخوردار نیست و در برابر مشکلات و گرفتاریها خود را تنها می‌یابد و این به تنهایی سبب بروز مشکلات گوناگون می‌شود.

از محدودیتهای این پژوهش می‌توان به عدم بررسی نقش برخی از متغیرهای تأثیرگذار مانند صمیمیت و انسجام خانواده، رضایت زناشویی والدین و سایر عوامل مرتبط با این متغیرها اشاره کرد. همچنین به دلیل انجام دادن این پژوهش روی نمونه مورد نظر نمی‌توان نتایج این پژوهش را بر نمونه‌های دیگر تعمیم داد. افزون بر این چون داده‌های این پژوهش با ابزارهای خودگزارشی به‌دست آمده اند، سهواً و عمداً با سوگیری همراه اند، بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهشهای آینده، از روشهای دیگری مانند روشهای کیفی و آمیخته استفاده شود و همچنین برای دستیابی به نتایج روشن‌تر و تعمیم نتایج، پژوهشهایی در گروههای سنی بالاتر انجام شود که هویت به طور کامل شکل گرفته است. یافته‌های پژوهش حاضر دارای تلویحات کاربردی است. نتایج حاصل از این پژوهش، می‌تواند مورد توجه برنامه‌ریزیها، اقدامات و اصلاحات نهاد آموزش و پرورش و نهادهای تربیتی دیگر قرار گیرد و با الگوگیری از نتایج پژوهش حاضر، به منظور ارتقای رابطه والد- فرزندی با تأکید بر نقش محبت، گرمی و حمایت والدین و اجرای روش تربیتی مقتدرانه در خانواده‌ها برای سبک هویت مناسب در فرزندان کارگاههای آموزشی برگزار شود.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.1.7]

منابع

آقاجری، زهرا. (۱۳۷۴). *بررسی تأثیر شیوه فرزندپروری والدین بر عزت نفس و سازگاری فرزندان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.

احمدی، سمیه؛ پاکدامن، شهلا و حیدری، محمود. (۱۳۹۰). بررسی ارتباط سبک فرزندپروری ادراک شده، راه‌های دانستن و مباحثه‌طلبی دانشجویان. *فصلنامه خانواده پژوهی، ۷* (۳)، ۳۵۵ -۳۷۱.

افروز، غلامعلی. (۱۳۹۱). *روان‌شناسی رابطه‌ها*. تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

باباپور خیرالدین، جلیل؛ اسماعیلی انامقی، بهمن؛ غلام‌زاده، مجتبی و محمدپور، وهاب. (۱۳۹۱). رابطه شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های هویتی نوجوانان. *مجله روان شناسی، ۱۶*(۲)، ۱۶۱-۱۷۵.

باقری، خدیجه؛ بهرامی، هادی و جلالی، محمدرضا. (۱۳۸۸). رابطه بین سبک‌های دلبستگی با نوع هویت در زندانیان ۱۵-۳۰ ساله. *فصلنامه روانشناسی کاربردی،۳* (۳) ، ۸۵-۹۹.

جاسمی، مدینه؛ ابراهیمی، حسین و ولی‌زاده، سوسن. (۱۳۹۲). رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های هویت نوجوانان. *مقاله ارائه شده در ششمین کنگره بین المللی روانپزشکی کودک و نوجوان*، دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

حجازی، الهه و سیف، سوسن. (۱۳۷۹). نگرش نوجوانان نسبت به سامانه تربیتی والدین. *مجله روانشناسی و علوم تربیتی*، دوره جدید (۱)، ۲۲-۴۴.

خواجه‌پور، مهناز. (۱۳۸۴). *مقایسه شیوه‌های فرزندپروری با توجه به حالات هویت و بررسی رابطه ابعاد این دو متغیر در دانش آموزان دختر و پسر پیش‌دانشگاهی نواحی چهارگانه شیراز*. گزارش پژوهشی، شورای تحقیقات استان فارس.

خوئی‌نژاد، غلامرضا؛ رجایی، علیرضا و محب‌راد، تکتم. (۱۳۸۶). رابطه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده با احساس تنهایی نوجوانان دختر. *نشریه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۹ (۳۴)، ۷۵-۹۲.

رایس، فلیپ. (۱۹۲۲). *روان شناسی رشد از تولد تا مرگ*، ترجمه مهشید فروغان (۱۳۸۸). تهران: نشر ارجمند.

سندی، فاطمه؛ رضایی، سجاد و صالحی، ایرج. (۱۳۹۳). شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده و سبک‌های هویت در دختران نوجوان: بررسی نقش تعدیل‌گرانه حرمت خود. *مجله روانشناسی، ۱۸*(۱)، ۶۱-۷۶.

سیدموسوی، پریسا سادات؛ مظاهری، محمدعلی و قنبری، سعید. (۱۳۹۴). ویژگیهای روان‌سنجی پرسشنامه‌های پذیرش و طرد والدین و شریک صمیمی در دانشجویان. *مجله روانپزشکی و روان شناسی بالینی ایران*،۲۱(۴)،۳۲۷-۳۳۷.

شاهقلیان، مهناز. (۱۳۸۷). اثر عدم حضور مستمر پدر در خانه (به دلیل اشتغال) بر میزان اختلالهای رفتاری دانش‌آموزان دبستانی. *پژوهش در سلامت روانشناختی*، ۲ (۱)، ۲۹-۳۶.

شهرآرای، مهرناز. (۱۳۸۴). *روان‌شناسی رشد نوجوان، دیدگاه تحولی*. تهران: نشر علم.

شیخ‌الاسلامی، راضیه و برزو، شیوا. (۱۳۹۴). فرزندپروری و مسئولیت‌پذیری در نوجوانان: نقش واسطه‌گری سبک‌های پردازش هویت. *مجله روشها و مدلهای روانشناختی، ۶*(۱۹)، ۹۷-۱۱۹.

عباس‌پور آذر، زهرا. (۱۳۹۳). *تدوین مدل سلامت معنوی بر اساس ویژگیهای شخصیتی، سبک‌های هویت نوجوانان، شیوه‌های فرزندپروری و سبک زندگی والدین آنها*. رساله دکتری روانشناسی سلامت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.1.7]

غضنفری، احمد. (۱۳۸۳). اعتباریابی پرسشنامه سبک هویت(ISI-6G). *نشریه مطالعات تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۵۰ (۱)، ۸۱-۹۴.

فرزانه‌خو، مرجان؛ یارمحمدیان، احمد و مولوی، حسین. (۱۳۸۸). تأثیر عملکرد کلی خانواده بر وضعیت هویت دانش‌آموزان. *مجله علوم رفتاری*،۳ (۲) ، ۱۴۲-۱۳۵.

فولادچنگ، محبوبه؛ شیخ الاسلامی، راضیه و صفری، هاجر. (۱۳۸۹). پیش بینی سبک‌های پردازش هویت نوجوانان براساس ابعاد فرزندپروری. *مجله روان شناسی*، ۱۴ (۱)، ۳-۱۷.

فیست، جس و فیست،گرگوری جی. (۱۳۹۸). *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: نشر روان.

کریمی‌نژاد، هاجر و غلامرضایی، سیمین. (۱۳۹۲). رابطه نگرش نسبت به پدر با شادکامی، عزت نفس و پرخاشگری در دختران دبیرستانی شهرستان لامرد. *فصلنامه نسیم تندرستی*، ۲(۳)، ۳۷-۴۲.

کلانتر هرمزی، آتوسا و کانی سانانی، ئه وین.(۱۳۹۴). بررسی رابطه بین نگرش نوجوانان نسبت به پدر و احساس تنهایی. *فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، ۶ (۲۳)، ۴۵-۶۷.

نقاشیان، ذبیح الله. (۱۳۵۸). *رابطه محیط* خانوادگی *و موفقیت تحصیلی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

هومن، حیدرعلی. (۱۳۸۰) . *تحلیل داده‌های چند متغیری در پژوهش رفتاری*. تهران: پارسا.

یاوری، علی. (۱۳۹۱). *بررسی رابطه سبک‌های هویت و بلوغ عاطفی با سازگاری اجتماعی معتادان مرد تحت درمان نگهدارنده متادون مراکز شهر بجنورد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قوچان.

Adams, G. R., Berzonsky, M. D., & Keating, L. (2006). Psychosocial resources in first-year university students: The role of identity processes and social relationships. *Journal of Youth and Adolescence*, *35*(4), 81-91.

Aquilino,W. S., & Supple, A. J. (2001). Long-term effects of parenting practices during adolescence on well-being: Outcomes in young adulthood. *Journal of Family Issues*, *22*(3), 289-308.

Aslan, S. (2011). The Analysis of relationship between schools bullying, perceived parenting styles and self-esteem in adolescents. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *30*, 1798-1800.

Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *The Journal of Early Adolescence*, *11*(1), 56-95.

Berzonsky, M. D. (2004). Identity style, parental authority, and identity commitment. *Journal of Youth and Adolesence*, *33*(3), 213-230.

Berzonsky, M. D., Cieciuch, J., Duriez, B., & Soenens, B. (2011). The how and what of identity formation: Associations between identity styles and values orientations. *Personality and Individual Differences*, *50*(2), 295-299.

Blattner, M. C., Liang, B., Lund, T., & Spencer, R. (2013). Searching for a sense of purpose: The role of parents and effects on self-esteem among female adolescents. *Journal of Adolescence*, *36*(5), 839-848.

Boudreault-Bouchard, A.-M., Dion, J., Hains, J., Vandermeerschen, J., Laberge, L., & Perron, M. (2013). Impact of parental emotional support and coercive control on adolescents' self-esteem and psychological distress: Results of a four-year longitudinal study. *Journal of Adolescence*, *36*(4), 695-704.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.1.7]

Carter, J. R., & Almaraz, J. (2014). Multiple attachment relationships: More caregivers may mean more confidence to behave prosocially. *Research on Capitol Hill,* Paper 11, 118-124. Retrieved from http://digitalcommons.usu.edu/poth_slc/11lu.

Charity, J. (2003). *When fathers aren't ''Dads''.* Retrieved from http://www.umm.maine.edu/resources/beharchive.bexstudents/JackiCharity/jc320.html

Collins, W. A. (1990). Parent-child relationships in the transition to adolescence: Continuity and change in interaction, affect and cognition. In R. Montemayor, G. R. Adams, & T. P. Gullota (Eds.), *An annual book series, Vol. 2. From childhood to adolescence: A transitional period?* (pp. 85-106). Newbury Park, CA: Sage Publications, Inc.

Crocetti, E., Sica, L. S., Schwartz, S. J., Serafini, T., & Meeus, W. (2013). Identity styles, dimensions, statuses, and functions: Making connections among identity conceptualizations. *European Review of Applied Psychology*, *63*(1), 1-13.

Demidenko, N., Manion, I., & Lee, C. M. (2015). Father-daughter attachment and communication in depressed and nondepressed adolescent girls. *Journal of Child and Family Studies*, *24*(6), 1727-1734.

Dornbusch, S. M., Ritter, P. L., Liederman, P. H., Roberts, D. F., & Fraleigh, M. J. (1987). The relation of parenting style to adolescents school performance. *Journal of Child Development*, *58*(5), 1244-1257.

Dunkel, C. S., Harbke, C. R. & Papini, D. R. (2009). Direct and indirect effects of birth order on personality and identity: Support for the null hypothesis. *The Journal of Genetic Psychology*, *170*(2), 159-175.

Flouri, E. & Buchanan, A. (2002). Father involvement in childhood and trouble with the police in adolescence: Finding from the 1958 British cohort. *Journal of Interpersonal Violence*, *17*(6), 689-701.

Furman, W., Simon, V. A., Shaffer, L., & Bouchey, H. A. (2002). Adolescents' working models and styles for relationships with parents, friends, and romantic partners. *Child Development*, *73*(1), 241-255.

Galambos, N. L., Barker, E. T. & Almeida, D. M. (2003). Parent do matter: Trajectories of change in externalizing and internalizing problems in early adolescence. *Child Development*, *74*(2), 578-594.

Hess, M., Ittel, A., & Sisler, A. (2014). Gender-specific macro- and micro-level processes in the transmission of gender role orientation in adolescence: The role of fathers. *European Journal of Developmental Psychology*, *11*(2), 211-226.

Jaggers, J. W., Church, W. T. II, Tomek, S., Hooper, L. M., Bolland, K. A., & Bolland, J. M. (2014). Adolescent development as a determinant of family cohesion: A longitudinal analysis of adolescents in the Mobile Youth Survey. *Journal of Child and Family Studies*, *24*(6), 1625-1637.

Larson, R., & Lampman-Petraitis, C. (1989). Daily emotional states as reported by children and adolescents. *Child Development*, *60*(5), 1250-1260.

Mendonça, M., & Fontaine, A. M. (2014). The role maturity of parents of emerging adult children: Validity of a parental maturity measure. *Journal of Adult Development*, *21*(2), 116-128.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.1.7]

Santrock, J. (2015). *Adolescence* (16th ed.). New York, NY: McGraw-Hill.

Schultheiss, D. P., & Blustein, D. I. (1994). Contributions of family relationship factors to the identity formation process. *Journal of Counseling and Development*, *73*(2), 159-166.

Simon, L., Zsolt, U., Fogd, D., & Czobor, P. (2011). Dysfunctional core beliefs, perceived parenting behavior and psychopathology in gender identity disorder: A comparison of male-to-female, female-to-male transsexual and nontranssexual control subjects. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, *42*(1), 38-45.

Smits, I., Soenens, B., Luyckx, K., Duriez, B., Berzonsky, M., & Goossens, L. (2008). Perceived parenting dimensions and identity styles: Exploring the socialization of adolescents' processing of identity–relevant information. *Journal of Adolescence*, *31*(2), 151-164.

Updegraff, K. A., Delgado, M. Y., & Wheeler, L. A. (2009). Exploring mothers' and fathers' relationships with sons versus daughters: Links to adolescent adjustment in Mexican immigrant families. *Sex Roles*, *60*(7-8), 559-574.

Williams, S. K., & Kelly, F. D. (2005). Relationships among involvement, attachment, and behavioral problems in adolescence: Examining father's influence. *Journal of Early Adolescence*, *25*(2), 168-196.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.1.7]